کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب شرح جامی یا فوائد ضیائیه ۶۰/ عربی
مصنف ابن حاجب شارح ملا عبدالرحمن جامی
مؤلف
خطی نستعلیق ۱۵ سطری
چاپی
سال چاپ یا تحریر عدد اوراق ۲۶۷
جزء کتب نحو شماره
شماره عمومی ۹۹۶۹ شماره قبض
واقف دکتر شمس الدین جزایری تاریخ وقف شهریور ۱۳۴۸
طول ۱۸ عرض ۱۱

۱۲۵۱

سال ۱۳۴۸ خورشیدی بازبینی شد

[illegible]

بیا مشعلون [illegible]

در دست دریا بزن دندان [illegible]

[illegible]

باز بینی شد

خ ۱۳۵۳

سال ۱۳۴۸ خورشیدی

باز بینی شد

٢٤٥

علوان

آمدن ... ۱۲۹۸

آمدن ... ۱۲۹۸

آمدن ... ۱۲۹۸

آمدن ... ۱۲۹۸

آمدن ... ۱۲۹۸

کتاب

الف لام ابر ...

عهد ... اختر ... الحج

الف لام ... مستقل ... آتش

بیا شعلوی

دردسر دریا بزن دندان ... در رو حلق در نهی

هر جهت دردسر دست ... برخیز

... ز هر مرتبه ... نباید اگر ...

... صادق

بازبینی شد
۱۳۵۳
سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتاب ... س

خطی

تولد فرزندی نور چشمی [illegible] حاجی [illegible]
محمد صادق [illegible] طول الله عمره
یکشنبه ۲۶ شهر رجب المرجب ۱۲۴۴
مطابق ۱۲ [illegible]
امید که از جناب اقدس الهی او را بکمال
منتهای [illegible] با علم و عمل و تقوی و پرهیزکاری
برساند آمین یا رب العالمین [illegible]
[illegible] دوشنبه ۲۰ شهر محرم الحرام ۱۲۴۶
[illegible] رحمت ایزدی پیوست امیدواریم
[illegible] شفاعت حشر شود

وفات نور چشمی محمد صادق
۱۹ شهر محرم الحرام ۱۲۴۴
امید که از جناب اقدس الهی [illegible]
مرحوم [illegible] رحمت [illegible]
[illegible]
[illegible] ۱۲۴

شوقی الیکم کشوق الحاج الی الصفا
میلی الیکم کمیل المریض الی الشفا

الدعاء قبل المطالعة اللهمّ نوّر قلبي واشرح صدري فانطلق
وأطلق لساني بحقّ حولك وقوّتك لا حول ولا
قوّة إلّا بالله العليّ العظيم وصلّى الله على محمّدٍ
وآله أجمعين

اسم کتاب
مصنف
مؤلف
خطی
چاپی
سال چاپ
جزء کتب
شماره عمومی
واقف
طول

چه مستثنی بالا در کلام غیر موجب باشد
اثر آنکه مستثنی منه مذکور باشد [illegible]
شود مرفوع بر رسم بدل از اسم قبلش
و یا منصوب نصبش در این هم جایز
بغیر از صفت و [illegible] فتح و کسر هم
ازین باب چو [illegible] بر اعراب [illegible]
چه مستثنی شود منصوب [illegible] واقف باشد
[illegible] عامل [illegible] یعنی حاصل باشد
چه مستثنی [illegible] بدون ما [illegible] باشد
یعنی [illegible] [illegible]

پس از الا بود در کلام تام موجب
پس از الا بود [illegible] یعنی [illegible] عدد باشد
و یا از [illegible] ضد [illegible] منقطع
[illegible] ضد [illegible] و یا [illegible] باشد
و یا [illegible] مستثنی [illegible]
[illegible] عدد باشد
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

اعلم ان لفظ الامین اربع کلمات [illegible]
[illegible] ابن [illegible] القلم [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

علم را با عمل [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible]

نون ساکن چو تنوین به پیش حلقی ظاهر شود | چو بهمزه حا و عین و غین و خا رسد | گر رسد با یرملون ادغام آن با غنه دان

نزد فا پیش لام [illegible] یا غنه بدان | نزن و شوی نحو با بقلب میگردد میم | نحو باقی حروف اخفا با غنه مقیم

هر ضمیری را که قبلش [illegible] | چنین به ای [illegible] بگذر از [illegible] | در بجو [illegible] قبلی و ما بعد ضمیر

حکم او قصر است [illegible] | در [illegible] یا [illegible] | قصر چون [illegible] الملک ای امیر

میم ساکن [illegible] نحو [illegible] | یا نحو [illegible] خفی در خفا | چارده جا باید ادغام کنون لام ال

بشنو اکنون تا بکار آید ترا در هر محل | نحو تا و ثا و دال و ذال [illegible] | با ز صاد و ضاد و طا و ظا و لام و میم و نون و شین

از دو مثلین ساکن ساز در حرف دوم | گر نباشد حرف مد مانند [illegible] | لام هل بل لام قل [illegible]

مد بکم [illegible] بر دال [illegible]

طریقهٔ استخارهٔ ذات الرقاع [illegible]

بنویس بنظریقه بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله

العزیز الحکیم لفلان ابن فلان در سه رقعه بعد از فلان

ابن فلان افعل در سه نماید در سه دیگر لا تفعل و بعد [illegible]

و بنهند در رقعات [illegible] از زیر مصلی [illegible]

[illegible] بسجده [illegible] لا تفعل باشد [illegible]

[illegible] الخیرة [illegible] بعد از سجده بکلمه [illegible]

[illegible]

[illegible]

١٢٤٤

[illegible]

لم يلتقطه اللقيط وهو كل حي ضايع لا كافل له

ما ما ما ما ما ما ما ما ما ما

المؤنث السماعي سبع وستين قسما وهو هذا

لهعي	والازار	السن	والكبل	والكف واليد
النعي	الشمال	والورك	والفخذ	والساق والرجل
والعقب	والقدم	والاصبع	والنجل	والنفس
والعصا	والارض	والدار	والجحيم	والجهنم
والضحى	وسمات	والفول	والفلك	والفردوس
والقدم	وريكان	ومنجنيق	ودرع الحديد	

خوکوش

ودرع المرأة والسراويل والذئب والموسى والعقرب والخمر والكأس والشمس والريح

والعقاب والقوس والأفعى والأرنب والضبع والدور والعروض والشعر والسكين والسبيل

والطريق والسوق والسماء والعطل والكراع والضلع والأذن والعنق والعقد والكلاع

والعنكبوت والبئر المعطلة والحرب والملح والنار والشهيد والفرس وجهنم والله أعلم بالصواب.

المراد بالعقل القوّة العاقلة المدركة للكلّيات بالذات والجزئيات بالذات السّمع هو القوّة المودعة في العصب المفروش في الصماخ يدرك بها الاصوات بطريق وصول الهواء المتكيف بكيفيّة الاصوات الى الصماخ الشمّ قوّة مودعة في الزايدتين النابتتين في مقدم الدماغ المشبهتين بحلمتي الثدي يدرك بها الروايح اللمس قوّة مبثوثة في اكثر البدن يدرك بها الحرارة والبرودة والرطوبة والخشونة والملاسة والصلابة واللينة البصر قوّة المودعة في العصبتين المجوّفتين يتلاقيان ثم يفترقان فتتعديان الى العينين يدرك بها

الاضواء والالوان والاشکال والذوق وعرق مستقر
فی کل الفم سیما علی راس اللسان یدرك بها اللذات
من الحلو والحامض والاجاج والمالح والتفه ۱۲
الادم یستعمل علی ثلثه اقسام الاول علی النفس الناطقه الثانی یستعمل
علی هیکل محسوسه والثالث یستعمل علی کل من الهیکل والنفس الناطقه
بدانکه یار بر ۳ قسم است نسبت و تقیید و جزء کلم هرگاه یاء اگو مر نسبت
بکر یم یعنی ان ادم منسوب با دست او وقوتیت دستاکه و هرگاه
تقیید باشد یعنی هر فرد خود از آدمی را قوتیت دستاکه و این یاء او یاء
جزء کلم نمیتوانیم گرفت زیرا که یاء جزء کلم ان یاء ثبت بدوان او کلم تام
نشود از قبیل کرسی که اگر یاء از ابر داریم کرس میماند و از وی معنی کرسی معلوم
نمیشود بخلاف یار اگو مر فافهم ۱۲ تصور در لغت در ک کردن و در
اصطلاح حصول صورت بدون حکم تصدیق در لغت قبول کردن
و در اصطلاح حصول شیء است در ذهن با حکم ۱۲

قال النبي صلى الله عليه [illegible] وسلم

[illegible] قضى الله له [illegible]

[illegible] حاجة من حوائج الدنيا والآخرة [illegible]

[illegible] بسبعين الف [illegible] ثم تصل درهم [illegible]

وبعث الله [illegible] ثم تصل درهم [illegible] الف [illegible] يوم القيمة [illegible]

حتى وصل الله ثم تصل درهم [illegible]

[illegible]

گر در حوزه خویش [illegible] داشتی

تا ز میان خلق بر داشتی

باغ [illegible] یاران [illegible]

از ابر عطای خویش نم داشتی

[illegible]

ای [illegible] کریم [illegible]

دل غافل [illegible]

[illegible]

[illegible]

جو [illegible] نشاط [illegible]

[illegible] وهم

روغن کچه مغز نوجه (؟) ۴
ما ۲

کاسه سر نوجه هندی ۲

زاج نوجه ۱
زعفران ۲

اجزای مذکوره کوبیده در میان روغن کچه ممزوج نموده شیاف ساخته در ضیح (؟) لش فرو ... کند ... درای حسکلاله و شام زرزاده بخش ... دفع بیرون کرده بکند از ... مجرب است

... سفیده (؟) ده ... شکر ... ان ... نیم سیر روغن اسفند نیم ... نیم سیر روغن نیم سیر ... شکر و ... ده ... ساز ... صبح ... مجرب ... ده ... وشوید دفع کنند (؟)

یا اهل هذا الطبقة من عندکم فرج شفعة ... کم ... صدقة

یا من ... احت ... الصدقة

اهداء بکتابخانه مبارکه آستانه قدس رضوی علیه آلاف التحیه والثناء
شماره ۵
نام کتاب
دکتر شمس الدین جزائری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لوليه والصلوة على نبيه وعلى آله واصحابه المتادبين بآدابه اما بعد فهذه فوايد وافية بحل مشكلات الكافية للعلامة المشتهر في المشارق والمغارب الشيخ ابن الحاجب تغمده الله بغفرانه واسكنه بحبوحة جنانه نظمتها في سلك التقرير وسمط التحرير للولد العزيز ضياء الدين يوسف حفظه الله سبحانه عن موجبات التلهف والتاسف وسميتها بالفوائد الضيائية لانه الباعث على الجمع والتاليف كالعلة الغائية نفعه الله بها وساير المبتدئين من اصحاب التحصيل وما توفيقي الا بالله وهو حسبي ونعم الوكيل اعلم ان الشيخ ابن الحاجب رحمه الله تعالى بنى رسالته